



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بهرسی مبانی قرآنی زیارت
حضرت امیرالمومنین علیه السلام

در روز غدیر خم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معصومه آبدالله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی مبانی قرآنی زیارت حضرت امیرالمومنین علیه السلام در روز غدیر

نویسنده:

معصومه آعبدالله

ناشر چاپی:

دانشگاه آزاد اسلامی (تهران)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	بررسی مبانی قرآنی زیارت حضرت امیر المومنین علیه السلام در روز غدیر
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۱	درآمد
۱۲	و أشهد أنك المعنى بقول العزيز الرحيم و أنّ هذا صراطى... -
۱۳	السلام عليك يا دين الله القويم و صراطه المستقيم.
۱۳	تحليل موضوعى
۱۵	انّ الامامه أسّ الاسلام التامى
۱۵	ارتباط تأويلى
۱۵	تأويل در لغت
۱۸	معناى اصطلاحى تأويل در روايات
۱۸	ليس من القرآن آيه الاوليها ظهر و بطن
۱۸	و ما من حرف الا وله تأويل و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون فى العلم
۲۰	نحن معدن التنزيل و معنى التأويل
۲۰	حجت بالغه الهى
۲۱	قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ
۲۱	حجت در لغت
۲۲	و الزم اعدائك الحجّة بقتلهم اياك لتكون الحجّة لك...
۲۵	نحن الحجّة البالغة على من دون السماء و فوق الارض
۲۶	يا هشام ان لله على الناس حجتين حجة ظاهرة و....
۲۶	ان علياً(عليه السلام) حجة الله على خلقه و....
۲۷	ليس بين الله و بين حجته حجابّ ، فلا لله دون....
۲۷	انا حجه الله على خلقه من اهل سماواته و ارضه و....

- ٢٨ «ان الحجّة لا تقوم لله على خلقه الا بامام حتى يعرف.»
- ٢٨ فابى الخلائق جميعاً عن ولايتك و الاقرار بفضلك و... ..
- ٢٨ سبحان من دل هذا الخلق القليل من
- ٢٩ ان الله تبارك و تعالى بين من سائر خلقه.... ..
- ٢٩ عن ابى عبدالله قال كان اميرالمومنين(عليه السلام) باب... ..
- ٣٠ نتايح
- ٣٠ على(عليه السلام) و صراط مستقيم
- ٣٠ السلام عليك ايها الدين القويم و صراطه المستقيم
- ٣١ وازه شناسى: دين قويم
- ٣١ الدّين: الطاعة و دانوا لفلانٍ اى اطاعوه.
- ٣٢ حقيقت دين
- ٣٢ دين استوار از منظر تأويل
- ٣٣ ذلك دين القيمة، شهد القران ان الدين القيم الا خلاص..... ..
- ٣٤ قال اى يوم الميثاق حيث جحدوا و كذبوا بولايتك يا على
- ٣٤ و قد عَلِمْتُ أَنَّ قوامِ ديني، التسليم لامرك و الاتباع سنة نبيك... ..
- ٣٤ كمال الدين و لايتنا و البراءة من عدونا
- ٣٥ صراط مستقيم
- ٣٥ لغت
- ٣٧ صراط در روايات
- ٣٨ انا والله! نعمه الله التى انعم الله تعالى على عباده و... ..
- ٣٩ يا ايّها المَجْتَبُونَ لِفاطمَةَ، تَعَلَّقُوا باهدابِ مِرْطِ فاطمة سيدة نساء العالمين.
- ٤٠ على صراط مستقيم است
- ٤٠ هذا صراط على مستقيم
- ٤١ انا صراط الله المستقيم الذى امركم باتباعه، ثم على من بعدى... ..
- ٤٢ جابر بن عبدالله انصارى: إِنَّ النَّبِيَّ هَيَّأَ أَصْحَابَهُ عِنْدَهُ، إِذْ قَالَ:..... ..
- ٤٣ على(عليه السلام) نبأ عظيم

- ٤٣ السلام عليك ايها النبي العظيم، الذي هم فيه مختلفون و عنه يستلون.
- ٤٣ بررسى لغوى نباء عظيم .
- ٤٥ نكات تفسيرى
- ٤٦ روايات و تأويل
- ٤٦ الامر من بعدى لمن هو منى بمنزله هارون... .
- ٤٧ انا و الله النبأ العظيم الذى هم فيه مختلفون الذى هم فيه اختلفتم
- ٤٨ هو والله اميرالمومنين و قال(عليه السلام) كان(عليه السلام)... .
- ٤٩ نتايج
- ٥١ منابع
- ٥٥ درباره مركز

بررسی مبانی قرآنی زیارت حضرت امیر المومنین علیه السلام در روز غدیر

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: 1828625

پدیدآور: آعبدالله، معصومه

عنوان و نام پدیدآور: بررسی مبانی قرآنی زیارت حضرت امیر المومنین علیه السلام در روز غدیر [پایان نامه] / نگارش معصومه آعبدالله ؛ استاد راهنما امیر توحیدی ؛ استاد مشاور احمدرضا غائی.

مقطع و رشته تحصیلی: (کارشناسی ارشد): علوم قرآن و حدیث.

محل و سال اخذ مدرک:، 1387.

نام دانشگاه/ پژوهشگاه: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده الهیات، فلسفه و معارف اسلامی.

مشخصات نشر: 1387.

مشخصات ظاهری: 46ص

یادداشت: چکیده: فارسی - انگلیسی.

یادداشت: کتابنامه: ص. 220-225.

شناسه افزوده: توحیدی، امیر، 1341 -، استاد راهنما

شناسه افزوده: غایی، احمدرضا، استاد مشاور

توصیفگر: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق.

علی بن محمد (ع)، امام دهم، 212 - 254 ق.

توصیفگر: زیارتنامه غدیریه

قرآن

توصیفگر: زیارت نامه ها

مطالعات تطبیقی

تحليل محتوا

تفسير قرآن

ولایت

ص: 1

اشاره

ادعیه و زیارات کتب تشیع، ترجمان از تلاش ها و مجاهدت های پیشوایان و امامان شیعه (علیهم السلام) است که بایستی مقام آن را بزرگ داشت و در جهت آشنایی و شناخت هر چه بیشتر آن قدم برداشت. زیارت حضرت امیر (علیه السلام) در روز غدیر از معتبرترین زیارات شیعه است که از طرف امام هادی (علیه السلام) صادر و یک دوره کامل شئون حضرت امیر (علیه السلام) در آن مطرح شده است. عرضه فرازهای این زیارت به قرآن کریم از نگاه متن شناختی، قرینه ای برای اثبات درستی و انتساب آن به معصوم (علیهم السلام) و گامی در جهت تقویت این زیارت و بهره مندی از مضامین بلند آن است.

کلیدواژگان: قرآن، زیارت - امام علی (علیه السلام)، تأویل

زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز غدیر از معتبرترین زیارات شیعه است که از طرف امام هادی (علیه السلام) صادر شده است. یکی از شیوه‌های رایج علمی برای بررسی روایات نقل شده آن است که در دو مرحله به بحث گذاشته می‌شود؛ یکی مرحله سند و دیگری مرحله دلالت. بررسی سندی این زیارت در پژوهش دیگری مورد بحث قرار گرفته است (1).

راویان این زیارت همگی از علما و جلیل‌القدر و ثقه‌ای همچون شیخ مفید، ابن قولویه، کلینی، علی بن ابراهیم قمی می‌باشند و دو نفر از راویان از وکلای خاص حضرت مهدی (علیه السلام) هستند.

در این نوشتار درونمایه‌های مشترک زیارت مذکور با قرآن کریم را بررسی می‌کنیم تا بر درستی متن زیارت دست یازیم تا اولاً قرینه‌ای باشد برای اثبات درستی و دلالت متن و انتساب آن به معصوم (علیهم السلام)، و دیگر اینکه تقویت این زیارت گامی در جهت بهره‌گیری از مضامین عالی آن و پاسخگویی به بسیاری از شبهاتی است که در زمینه «امام شناسی» مطرح است.

در نخستین گام‌های پژوهش به هم تنیدگی زیارت مذکور با قرآن را آن چنان

ص: 3

گسترده می یابیم که اگر بخواهیم تمامی موارد را گزارش نماییم، خود پژوهشی مستقل می طلبد. در بررسی این زیارت، عبارت هایی رخ می نماید که آیه ای از قرآن به طور واضح و کامل آمده است و در مواردی بخشی از آیه و یا اشاره ای به آیه از طرف امام صورت گرفته است.

در این نوشتار گزارش ارائه می شود تا پژوهشگران بر پایه آن بتوانند به موضوعات دیگری پردازند.

پیشوایان دین برای انتقال بهتر و زیباتر مفاهیم دینی بارها از تضمین ها و تلمیح های قرآنی در سخنان خویش بهره برده اند(1) و با خواندن قسمتی از آیه قرآن و یا بیان کلمه ای از قرآن، خواننده را به مفهوم گسترده قرآنی ارجاع داده اند. برای نمونه در قسمتی از زیارت امام هادی(علیه السلام) خطاب به حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) در حالتی که رو به حرم شریف حضرت علی(علیه السلام) ایستاده بودند عرضه می دارند:

و أشهد أنّ المعنى بقول العزيز الرحيم و أنّ هذا صراطى...

و أشهد أنّ المعنى بقول العزيز الرحيم و أنّ هذا صراطى مستقيماً فأتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرّق بكم عن سبيله.

و گواهی می دهم که در کلام خدای مقتدر مهربان مقصود تویی که فرمود: «انّ هذا صراطى مستقيماً...».

ص: 4

1- - برای نمونه ر.ک: فهارس تفصیل نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و مقدمه منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه

در این مورد با بیان «المعنى بقول العزيز الرحيم» تصریح می کند که عبارت پیش رو، آیه قرآن است و در نمونه دیگری این مطلب با اشاره بیان می شود.

السلام عليك يا دين الله القويم و صراطه المستقيم.

در این عبارت امام با ظرافت خاصی حقیقت دین و صراط مستقیم را به مردم معرفی می نمایند.

تحلیل موضوعی

یکی از راه های بیان حقایق دین و ترویج معارف و معالم مکتب اهل بیت (علیهم السلام) زیاراتی است که از ناحیه خود این بزرگواران صادر و به شیعیان تعلیم داده شده است.

تعابیر و اوصاف و القابی که در این زیارت است، مجموعه ای از ویژگی ها و فضایل امیرالمؤمنین است که در صدها حدیث و کتب مناقب و سیره و سنن برای ایشان بیان شده است. سلام دادن بر ایشان به عنوان امین خدا، سفیر حق، صراط مستقیم، مجاهد با مشرکین، مدافع از پیامبر و دین، مولا- و یعسوب مؤمنان، وارث علم پیامبر، اولین مؤمن به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ده ها صفت دیگر. همچنین اشاره به مواقف و صحنه هایی چون غدیر خم، ليله المبيت، نزول هل اتی، حدیث منزلت، نزول آیه تطهیر، جنگ های مختلف ایشان با مشرکان، غصب خلافت، صبر بی نظیر، خلافت

ص: 5

حقه، فتنه قرآن بر نیزه کردن از سوی دشمن و ماجرای حکمیت، نبرد با ناکثین و قاسطین و مارقین، شهادت او و رنگین شدن محاسن وی با خون سر و بسیاری حوادث دیگر از جمله مطالب این زیارتنامه است و فهرستی گویا و فشرده از صحنه های زندگی آن حضرت است و درس «امام شناسی» می دهد.

اطلاع از اوضاع و شرایط سیاسی آن دوران ما را در شناخت مخاطبان امام یاری می نماید؛ چرا که امام در هر زمان متناسب با درک و فهم مردم عصر خویش سخن می گوید. دوران امامت امام هادی (علیه السلام) مصادف با خلافت شش تن از خلفای عباسی بود و از نظر سیاسی و اجتماعی کشور وضع نابسامانی داشت. مردم در آن دوران بیش از هر زمان دیگر دچار تحیر و سرگردانی بودند. بیان دقیق ترین نکات اعتقادی، تربیتی و اخلاقی در قالب دعا و زیارت، نهضت فرهنگی که از زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آغاز و در زمان صادقین (علیهما السلام) به اوج خود رسید و توسط امامان بعدی ادامه یافت.

توحید زیربنای تفکر اسلامی است و امامت در فرهنگ شیعه با توحید ارتباط تنگاتنگی دارد؛ آن گونه که اعتقاد به توحید بدون پذیرش امامت سود نمی بخشد⁽¹⁾.

به

ص: 6

1- - اشاره به حدیث سلسله الذهب از امام رضا (علیه السلام): «کلمه لا اله الا الله حصنی من دخل حصنی امن من عذابی.» که در پایان آن امام شرط صحت توحید را پذیرش امامت می داند. (ر.ک: التوحید، شیخ صدوق، ص 25، ح 23

دلیل اهمیت موضوع امام هادی (علیه السلام) در این زیارت، به این بحث مهم پرداخته است و در فرازهای مختلف این زیارت علاوه بر توحید و نبوت، به این مهم عنایت داشته اند:

انّ الامامه اُسّ الاسلام التّامی

انّ الامامه اُسّ الاسلام التّامی (1).

امام در لغت به معنای پیشوا و پیشرو و مقتداست. ابن فارس می نویسد: «الامام کل من اقتدی به و قدّم فی الامور (2)»

(امام کسی است که به او اقتدا و در امور، مقدم داشته شود).

«همانا امامت پایه بالنده اسلام است.»

ارتباط تأویلی

نکته های تفسیری و تأویلی بسیاری در این زیارت است که در خور تأمل پژوهشگران حوزه قرآن است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم. برای ورود به این بحث ابتدا به بررسی واژه تأویل می پردازیم.

تأویل در لغت

فراهِیدی معنی تأویل را تفسیر (به معنی کشف و بیان) دانسته است (3).

ص: 7

1- الغیبه، نعمانی، ص 218

2- معجم مقائیس اللغه، ص 33

3- فراهِیدی، ج 8، ص 369

ازهری با بسط مطلب بیان داشته که تأویل مصدر باب تفعیل از ریشه «اول» است و آن گاه معانی «رجوع» و تغییر یافتن را برای «اول» و «سیاست یا تأدیب کردن» و اصلاح را برای مصدر «ایاله» برگرفته است. او متذکر شده که در سیاست کردن، «رجوع دادن به غایت و حقیقت امر» نیز نهفته است(1). ابن فارس برای تأویل دو ریشه و اصل برشمرده است: ابتدای امر (از ریشه اول)، انتها و پایان امر از ریشه (آل، یؤول به معنای «رجع») و نیز تأویل به معنای ارجاع دادن به عاقبت با ریشه دوم در ارتباط است(2).

معنای کاربردی تأویل در قرآن از نگاه آیت الله محمد باقر صدر با عنوان «تفسیر معنا» نام برده شده؛ یعنی مجسم ساختن معنای عام در یک صورت و قالب ذهنی معین و مشخص(3).

از نگاه آیت الله معرفت یعنی بازگرداندن شیء به مصدر و خاستگاه اصلی اش و آن را به دو معنا دانسته است:

1- توجید متشابه؛

ص: 8

1- -الازهری، ج 15، ص 437

2- -ابن فارس، ج 1، ص 162

3- -حکیم، ص 239

2- بازگویی معانی درونی آیات(1).

تأویل در نگاه آیت الله معرفت از مقوله تطبیق است؛ یعنی تطبیق یک مفهوم انتزاعی برگرفته از ظاهر که بر همه زمان ها و مکان ها و همه مکلفان جاری است و نیازمند دلیل و قرینه ای خارج از ظاهر است(2).

از نظر مفسر المیزان، تأویل عبارت است از حقیقتی که حکم، خبر و هر امر ظاهر دیگری از آن سرچشمه می گیرد(3). به بیان دیگر، در ورای این قرآن امر دیگری است که نسبتش با قرآن به سان نسبت روح به جسد و ممثّل با مثل است؛ لذا آن را با عناوینی چون کتاب حکیم(4)،

ام الكتاب(5)، لوح محفوظ(6)،

کتاب مکنون(7)

خوانده و تمام مضامین که تمام مضامین و معارف از آن ناشی شده است(8).

و در یک کاربرد فراتر، مراد از تأویل فرابردن یک دالّ از معنایی ظاهری به معنایی دور از ظاهر است که تصور می شود این معنای دور از معانی ظاهر، مهم تر یا بیش از

ص: 9

1- - معرفت، ص 30

2- - همان، ص 14

3- - طباطبایی، ج 8، ص 135

4- - هود / 1

5- - زخرف / 1-4

6- - بروج / 21-22

7- - واقعه / 77-80

8- - همان، ج 3، ص 54

آن مورد نظر گوینده بوده است(1).

معنای اصطلاحی تأویل در روایات

حضرت امیر(علیه السلام):

لیس من القرآن آیه الاولها ظهر و بطن

لیس من القرآن آیه الاولها ظهر و بطن(2).

از قرآن آیه ای نیست مگر آنکه برای آن ظاهر و باطنی است.

حتی در یک حرف آن رموز و اسراری نهفته است که جز عالمان درگاهش کسی از آن باخبر نیست.

حضرت امیر(علیه السلام):

و ما من حرف الا وله تأویل و ما يعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم

و ما من حرف الا وله تأویل و ما يعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم(3).

و حرفی از آن نیست، مگر این که برایش تأویلی است و تأویلش را جز خدا و راسخان در علم کسی نمی داند.

عیاشی در تفسیر خود از آن حضرت روایتی نقل کرده که حتی تأویل هر حرفی را با وجوه متفاوت معرفی می نماید. «تأویل کل حرف من القرآن علی وجوه» (تأویلی هر حرفی از قرآن بر وجوهی است).

تأویل قرآن ابعاد چندگانه ای دارد و در قرآن کریم به معانی مختلفی آمده است.

ص: 10

1- - پاکتچی، «مدخل تأویل»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، به نقل از: مریم قبادی، ص 226

2- - سلیم بن قیس، ص 195

3- سلیم بن قیس، ص 195

عمده این معانی ذیل آیه هفتم سوره آل عمران وارد شده است.

تأمل در آیاتی که این کلمه آمده است، بیانگر نوعی گستردگی معنایی و مصداقی «تأویل» در قرآن است. این واژه و مشتقاتش 17 بار در 15 آیه از 7 سوره به این شرح آمده است:

- دو بار در آیه 7 آل عمران که درباره تأویل متشابه است.

- دو بار در آیه های 53 اعراف و 39 یونس که درباره تأویل وعده و وعیدهای قرآنی است.

- دو بار در آیه های 59 نساء و 35 اسراء که بحث تأویل در توزین درست، ادای حق الناس و ارجاع امور به خدا و رسول گرامی اش را مطرح کرده است.

- هشت بار در آیات 6، 21، 36، 37، 44، 45، 100 و 101 سوره یوسف، که درباره تأویل رؤیا و احادیث است.

- سه بار در آیات 66، 78، 82 سوره کهف که درباره تأویل برخی کارهایی است که نمود ظاهری آن ها موجه نبوده است.

آن چه در نگاه اول از مرور این آیات به ذهن متبادر می شود گستردگی و تنوع کاربرد این واژه در قرآن است که زمینه ساز بسیاری از مباحث علمی در حوزه های

مختلف (علوم قرآن و تفسیر، اصول، کلام و...) شده است. خاندان عترت، معدن تنزیل و معنای تأویل هستند:

نحن معدن التنزیل و معنی التأویل

نحن معدن التنزیل و معنی التأویل (1).

به طور کلی محققان برای ظاهر و باطن و تأویل و تنزیل تعاریف متعدد و مختلفی بیان داشته اند (2). بعضی باطن و تأویل را مترادف و بعضی آن دو را متباین دانسته اند (3).

بعضی تأویل را ناظر به تحقق امر خارجی و تنها برای بعضی آیات ثابت دانسته اند.

با مقدمه ضروری درباره تأویل، وارد بحث اصلی با فرازهای زیارت می شویم.

زیارت با سلام بر پیامبر اسلام خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله) آغاز می شود و بخش دوم سلام بر انبیا و رسولان الهی و ملائکه مقربین و عباد صالح پروردگار است. از فراز سوم که سلام بر امیرالمؤمنین (علیه السلام) است مقامات و شئون حضرت عنوان می گردد، که تمامی بخش ها و کلمات آن قابل توجه و دقت است و در چند بخش ارائه می گردد.

حجت بالغه الهی

السلام علیک یا مولای یا امیر المومنین، یا امین الله فی ارضه، و سفیره فی

ص: 12

1- - مجلسی، ج 25، ص 23

2- - برای آگاهی مبسوط از تعاریف مختلف نسبت به مصطلح تأویل ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، ج 6 و دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج 14، مدخل تأویل

3- - ر.ک: روش شناسی تفسیر قرآن، صص 31-34

خلقه، و حجته البالغه علی عبادہ.

از میان چهار لقب عنوان شده در این قسمت واژگان حجت را با توجه به اهمیت موضوع انتخاب و مبانی قرآنی آن را مورد بررسی قرار می دهیم:

مبنای قرآنی حجت بالغه با عنایت به آیه:

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (1).

بگو حجت رسا تنها از آن خداست، پس اگر می خواست قطعاً همه شما را هدایت می کرد.

حجت در لغت

حجت: دلالتی است روشن براساس راه مستقیم با قصد و هدف و چیزی که بر صحت و درستی یکی از دو نقیض اقتضاء حکم می کند. (2) واژه حجت در اصل لغت به معنای غلبه است و به معنی دلیل و برهان و واژه احتجاج به معنی استدلال کردن به کار می رود.

(3)

بالغه: اسم فاعل، از ریشه بلغ «به معنای انجام دادن کاری در پایان زمان و مکانی معین» (4)

حجت بالغه: برهان و دلالتی که به مقصد رساننده است و دلیل قاطع و روشنی که

ص: 13

1- - انعام/149

2- - ترجمه مفردات، ج 1، ص: 450

3- - التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج 2، ص 168. لسان العرب، ج 2، ص 328

4- - ترجمه مفردات، ج 1، ص 307

انسان را به قله کمال می‌رساند.

در فرهنگ اسلام به خصوص در مکتب تشیع به کسی که از جانب خداوند برای هدایت مردم منصوب شده باشد حجت اطلاق می‌شود. بنابراین انبیاء الهی و وجود مبارک حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) و اوصیای ایشان (علیه السلام)، حجت الهی محسوب می‌شوند. زیرا این ذوات مقدسه راهنمایی مردم به دین حق و راه کمال و سعادت و اجرای قوانین الهی را بر عهده داشته و وسیله احتجاج خداوند بر بندگان می‌باشند.

در زیارت حضرت امیر (علیه السلام) چندبار به این موضوع که امام معصوم حجت خداوند است، اشاره شده: نخست آنجا که زائر خطاب به ولی خدا عرض سلام و ادب می‌نماید. و در قسمت دیگر چنین بیان می‌شود:

و الزم اعدائک الحجۃ بقتلهم ایاک لتکون الحجۃ لک...

و الزم اعدائک الحجۃ بقتلهم ایاک لتکون الحجۃ لک علیهم مع مالک من الحجج البالغۃ علی جمیع خلقه.

خداوند دشمنانت را که تو را به قتل رسانیدند به حجت ملزم و محکوم ساخت تا آن که حجت بالغه بر تمام خلق با تو بود.

شیخ کلینی در کتاب شریف کافی در بخش اصول، روایات فراوانی را تحت عنوان « کتاب الحجۃ » گردآوری نموده که در آنها ابعاد مختلف حجیت انبیا و امامان (علیهم السلام) تبیین شده است.

ص: 14

اعتقاد ما این است که هیچ‌گاه زمین از حجت الهی خالی نیست. (1) تا جایی که در برخی روایات آمده است که اگر در زمین فقط دو نفر باشند یکی از آن دو حجت خداوند است. (2) وجود حجت برای آن است که خداوند به وسیله او مردم را هدایت کند و به وسیله حجت خود با خلقش احتجاج نماید.

محدث مذکور در اولین باب از « کتاب حجت » پنج روایت طولانی را تحت عنوان « باب الاضطرار الی الحججه » در خصوص ضرورت وجود امام و حجت گردآوری کرده که نقل مناظرات امام جعفر صادق (علیهما السلام) و برخی شاگردان او مثل هشام بن حکم با مخالفان اهل بیت (علیهم السلام) است. در این جا به ذکر ترجمه اولین حدیث باب مذکور اکتفا می‌کنیم.

هشام بن حکم از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که: کافری از امام (علیه السلام) پرسید وجود انبیاء و رسولان را چگونه اثبات می‌کنی؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند:

چون ما ثابت کردیم که آفریننده و سازنده ای داریم، برتر از ما و از همه آفریده‌ها و این آفریننده دارای حکمت و بلندی مقام است و روا نبود احدی از خلقش او را ببیند و بستاید تا از نزدیک و به صورت تماس بدنی خدا با آنان احتجاج کند و آن‌ها با خدا

ص: 15

1- . اصول کافی، ج 2، ص 50

2- . همان، ص 56

احتجاج کنند و با یکدیگر گفتگو نمایند، ثابت می شود که این خداوند در خلق خود، نمایندگان و واسطه هایی دارد که از طرف او برای مخلوق و بنده ها پیام آورند و بیان مقاصد او کنند و مردم را به مصالح و منافع و وسائل بقای آنان و موجبات فنایشان آگاهی دهند و ثابت شد که در میان خلق از طرف خدای علیم و حکیم، امر و ناهی و مفسر باشد و آنان همان پیغمبران (علیهم السلام) و برگزیده های او هستند از خلقش حکیمانی که حکمت آموخته و بدان مبعوثند با مردم در خلقت و جسم شریکند ولی با آن ها در احوال و اخلاق شریک نیستند و از طرف خدای حکیم و علیم به حکمت و متانت تایید شدند. به علاوه در هر دوره و زمانی این موضوع به وسیله دلائل و براهین و معجزاتی که پیغمبران و رسولان آورده اند ثابت و محقق گردیده تا آن که زمین تهی از حجتی نباشد که همراهش نشانه و دلیلی باشد که دلالت بر صدق گفتار و روش عدالت او کند. (1)

با توجه به حکم عقل و روایات اهل بیت (علیهم السلام) معلوم می شود که حجت خداوند بر بندگانش باید کسی باشد که از جهت تمام صفات کمال، از همگان برتر باشد، در علم و دانش و فضائل اخلاقی، زهد و تقوی و ورع و طاعت الهی سرآمد باشد، از گناه و اشتباه معصوم باشد دارای معجزه و کرامات الهی باشد و مصداق منحصر این اوصاف، پس از نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) وجود نورانی اهل بیت عترت و

ص: 16

طهارتند که خداوند در قیامت، به وسیله آنان با مردم احتجاج می کند. با بررسی شخصیت زندگی هر یک از ائمه طاهرين(عليهم السلام)، ابعادى از معنای گسترده حجت بودن آنان برای انسان روشن می شود. در خصوص زندگی امیرالمومنین علی(عليه السلام) که مخاطب اول در زیارت مذکور بوده اند. سرپای زندگی ایشان بر حقانیت آن وجود شریف دلالت دارد. او اولین کسی بود که به پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) ایمان آورد و این مطلب را در جلسه بزرگان قریش در خانه ابوطالب (یوم الانذار) اعلام نمود. در لیلۃ المبیّت جان خود را در معرض فدای پیامبر(صلی الله علیه و آله) قرار داد. در جنگ های بدر و احد و احزاب و ... مایه علو کلمه اسلام بود. بیست و پنج سال سکوت و رعایت مصلحت اسلام، درگیری با ناکثین و مارقین و قاسطین و سرانجام شهادت مظلومانه در محراب عبادت که موجب خواری و رسوایی مخالفان او تا قیامت بوده و هر یک از این ابعاد وسیله ای برای اتمام حجت خدا با دشمنان اهل بیت(عليهم السلام) می باشد.

در تفسیر عیاشی از قول امام جعفر صادق(عليه السلام) آمده است که فرمودند:

نحن الحجّة البالغة علی من دون السماء و فوق الارض

نحن الحجّة البالغة علی من دون السماء و فوق الارض(1).

ما (آل محمد) حجت بالغه خدا بر تمام کسانی هستیم که در زیر آسمان و بر روی زمینند.

و همچنین در اصول کافی حدیثی از امام موسی بن جعفر(عليه السلام) خطاب به

ص: 17

هشام آمده است که فرمودند:

یا هشام ان لله على الناس حجتين حجة ظاهرة و... .

یا هشام ان لله على الناس حجتين حجة ظاهرة و حجة باطنه، فاما الظاهرة فالرسل و الانبياء و الائمة (عليه السلام)، و اما الباطنة فالعقول(1).

ای هشام! همانا خداوند بر مردم دو حجت ظاهری و باطنی قرار داده است که حجت ظاهر همان رسولان و انبیاء و ائمه (علیهم السلام) و حجت باطن عقل است.

چنانچه در تفسیر همراه الانوار آمده است اصل حجت؛ کلام مستقیم است و از آن دلیل و برهان اراده می شود. بی تردید، پیامبر و ائمه (علیهم السلام) هر کدام «حجت» بر خلق هستند. و این امر جعل خداوند است و در کتاب احتجاج از قول امام باقر (علیه السلام) از قول پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) آمده است که در روز غدیر فرمودند:

«ان الله قد جعلنا» همانا خدا ما را جعل نموده است یعنی نفس ائمه (علیهم السلام) حجت خدا بر مقصرین و معاندین و مخالفین و خائنین و گنهکاران و ظالمین در دو عالم هستند(2).

در کنز الفوائد و در کتاب سلیم بن قیس از ابوذر چنین نقل شده است: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود:

ان علیاً (علیه السلام) حجة الله على خلقه و... .

ان علیاً (علیه السلام) حجة الله على خلقه و لم یزل یحتج بعلی فی کل امه فیها نبی مرسل و اشهدهم معرفته(3).

ص: 18

1- نورالثقلین، ج 1، ص 776

2- احتجاج، ص 58 به نقل از همراه الانوار، ص 203

3- همراه الانوار ص 203

همانا علی (علیه السلام) حجت خدا بر خلق اوست و پیوسته خداوند به او (علی) در هر امتی که به پیامبری [به سوی آنان] فرستاده شده احتیاج کرده است و ایشان را به معرفت علی (علیه السلام) گواه گرفته است.

بین خدا و حجتش هیچ مانع و حجابی نیست، چنانچه در روایتی از امام سجاد (علیه السلام) داریم که فرمودند:

لیس بین الله و بین حجه حجاب، فلا لله دون....

لیس بین الله و بین حجه حجاب، فلا لله دون حجه ستر. نحن ابواب الله، نحن الصراط المستقیم، نحن عیبه علمه، نحن تراجمه و حیه، نحن ارکان توحیده و نحن موضع سره. (1)

بین خدا و حجتش هیچ مانع و حجابی نیست و خداوند به جز حجت خود، هیچ پرده و پوششی ندارد، ما هستیم درهای (علم و رحمت و قدرت و ..) پروردگار ما هستیم راه راست، ما هستیم نگه دارنده علم خدا، ما هستیم ترجمان وحی او، ما هستیم ارکان توحید او و ما هستیم موضعی که خداوند سر خود را در آن جا نهاده است.

حضرت علی (علیه السلام) در این مورد چنین می فرماید:

انا حجه الله علی خلقه من اهل سماواته و ارضه و....

انا حجه الله علی خلقه من اهل سماواته و ارضه و ما فی السماء ملک یخطو قدماً عن قدم الابدانی، و فی یرتاب المبتلون. (2)

من حجت خدا بر تمام خلق از اهل آسمان ها و زمین هستم و در آسمان فرشته ای قدم از قدم بر نمی دارد مگر به اجازه من و درباره من اهل باطل به شک و تردید افتادند.

آری زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست و حجت بر خلق اقامه نمی شود

ص: 19

1- . معانی الاخبار، ص 35، ح 5، بیا با هم قرآن بخوانیم ص 85

2- . مشارق الانوار، ص 218، القطره ج 1 ص 255

مگر به امامی که شناخته شود .

«ان الحجة لا تقوم لله على خلقه الا بامام حتى يعرف.»

جابر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی فرمودند: ای علی! تو همانی که خداوند به وسیله تو در آن هنگام که خلاق را در ابتدای آفرینش به صورت اشباح آفرید، بر خلاق احتجاج نمود و فرمود:

أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى .

آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بلی.

تو پروردگار ما هستی. فرمود: و محمد پیامبر شماست؟ گفتند: بلی. فرمود: علی (علیه السلام) امام شماست.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

فابی الخلاق جميعاً عن ولايتك و الاقرار بفضلک و...

فابی الخلاق جميعاً عن ولايتك و الاقرار بفضلک و عتوا عنها استكباراً الا قليلاً منهم، و هم اصحاب اليمين و هم اقل القليل.

همه خلاق از ولایت و اقرار به فضل تو سر باز زده و سخت تکبر ورزیدند و جز گروه اندکی که آنها اصحاب یمین هستند و آنها اندک افرادی هستند.

همانا این گروه اندک از سعادت‌مندان اند و خدا به ایشان فضل بزرگی مرحمت فرموده است. آسمان چهارم فرشته‌ای است که در تسبیح خود گوید:

سبحان من دل هذا الخلق القليل من ...

سبحان من دل هذا الخلق القليل من هذه العالم الكثير علی هذا الفضل الجليل. (1)

ص: 20

1- . مشارق الانوار: 17 و 18 - بحار الانوار 26/294 ح 57 نظیر این روایت را شیخ طوسی در امالی خود 232 ح 4 مجلس 9 نقل کرده است. القطره ج 2 ص 49-50

پاک و منزّه است خداوندی که این گروه اندک را از این جهان پهناور بر این فضل بزرگ راهنمایی فرمود.

امام حسن عسگری (علیه السلام):

ان الله تبارک و تعالی بین من سائر خلقه....

ان الله تبارک و تعالی بین من سائر خلقه بكلّ شیء و يعطيه اللغات و معرفه الانساب و الآجال و الحوادث و لو لا ذلك لم يكن بين الحجه و المحجوج فرق. (1)

همانا خدای تبارک و تعالی حجت خود را با سایر مردم در همه چیز امتیاز بخشیده و معرفت و لغات و انساب و مرگ ها و پیش آمدها رابه او اعطا فرموده و اگر چنین نبود، میان حجت و محجوج (امام و مأموم) فرق نبود.

هدایت از شؤون ربوبی است و هرگاه خداوند متعال اراده هدایت فردی را داشته باشد، چشم او را نسبت به «حجه بالغه» بصیر می نماید و او را هوشیار می سازد و از سعادت‌مندان می‌گردد. (2)

زینت بخش و حسن ختام این قسمت حدیثی دیگر از نورالثقلین است.

عن ابی عبدالله قال کان امیرالمومنین (علیه السلام) باب...

عن ابی عبدالله قال کان امیرالمومنین (علیه السلام) باب الله الذی لا یؤتی الا منه و سبيله الذی من سلک بغیره هلك و كذلك یجری الائمہ الهدی واحداً بعد واحد، جعلهم الله ارکان الارض ان تمید باهلها و «حجّه البالغه» علی من فوق الارض و من تحت الثری. (3)

حضرت علی (علیه السلام) باب خدا هستند که جز از این باب کسی وارد نمی شود و راهی که در غیر آن سلوک یافتن هلاکت است و چنین ائمه هدی یکی بعد از دیگری جریان می

ص: 21

1- . اصول کافی، ج 2 ص، 240

2- . نورالثقلین، ج 1، ص 777

3- . همان

یابند و خداوند متعال ایشان را ارکان زمین قرار داد تا زمین اهلش را فرو نبرد و حجت بالغه الهی برای تمام کسانی که زیر آسمان و روی زمین قرار دارند؛ ایشانند.

نتایج

1- خداوند دو حجت ظاهری و باطنی برای مردم قرار داده است. حجت ظاهر رسولان و انبیاء و ائمه (علیهم السلام) و حجت باطنی عقول مردمان است.

2- زمین هیچگاه از حجت الهی خالی نمی ماند.

3- حجت بر خلق اقامه نمی شود مگر به شناخت امام.

4- حضرت علی (علیه السلام) حجت بالغه پروردگار عالم است و خداوند متعال به وجود ایشان احتجاج می کند.

5- خداوند تبارک و تعالی وقتی اراده هدایت فردی را نمود، قلب او را به پذیرش ولایت متنبه می سازد و به او بصیرت عطا فرماید و او را تسلیم امر او گرداند.

6- قرآن به سوی امام هدایت می کند. (1)

علی (علیه السلام) و صراط مستقیم

السلام علیک ایها الدین القویم و صراطه المستقیم

سلام بر تو ای دین محکم و استوار و راه مستقیم خدا.

ص: 22

الدّین: الطّاعه و دانوا لفلان ای اطاعوه.

الدّین: الطّاعه و دانوا لفلان ای اطاعوه. (1)

راغب در مفردات می گوید: دین پرستش و اطاعت از شریعت را می گویند. (2)

قویم از ریشه قوم بر وزن فعیل به معنای بسیار پابرجا و استوار. مستقیم - قیم - قیماً از مشتقات قویم هستند. مستقیم از ریشه قوم به معنی ثابت و پابرجا و بر طریق حق می باشد. شاهد مثال قرآنی آن «اهدنا الصراط المستقیم» است. (3)

قَیْم: از ریشه ق و م صفت مشبّهه در اصل قَیْم بوده به معنی سرپرست، متولی امر - عهده دار امور یتیم (4). قیماً مستقیم و در نهایت استقامت را گویند. (5) پایدار و جاویدان، قائم به امور دین و دنیا (6) نیز از دیگر معانی آن است.

ص: 23

1- . العین - جلد 8، ص 73.

2- . ترجمه مفردات راغب ج 1 ص 699

3- . واژه های قرآنی، ص 210

4- . همان

5- . تفسیر علین، ج 1، ص 65

6- . تفسیر نمونه، ج 6، ص 61

القيمه: شاهد مثال قرآنی آن « ذلك دين القيمه» است (1) یعنی این دین مستقیم است. (2)

دین قویم دین ثابت و پا برجا در مسیر حق را می گویند.

حقیقت دین

صاحب مشارق انوار الیقین در مورد « دین » می گوید: «فالدین هو الولایه». (3)

دین همان ولایت است. تحقق دین خدا به معرفت پیامبر و ائمه (علیهم السلام) است و کسی که ایشان را شناسد برآستی به دین خدا جاهل است. پس ایشان اصل دین هستند و دین شناخته نمی شود مگر به ایشان. چنانچه عبادت، بدون پذیرش ولایت مقبول نخواهد بود. (4)

دین استوار از منظر تأویل

استوار از منظر تأویل (5)

در تفسیر همراه الانوار تأویل دین قیمة در قول خداوند تعالی « ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ » (6) باستکمال معرفه علی (علیه السلام) تعبیر شده است. همچنین تأویل دین قیمة به دین

ص: 24

1- . بینه / 5

2- . العین، ج 5، ص 233

3- . مشارق الانوار الیقین، ص 118

4- . مرآه الانوار، ص 242

5- . فضیل بن یسار درباره این روایت که «هیچ آیه ای در قرآن نیست مگر این که ظاهری و باطنی دارد، از امام صادق ع می پرسد و آن حضرت می فرماید: ظاهرش تنزیل آن است و باطنش تأویل آن». وسائل الشیعه، ج 27، ص 196

6- . بینه - 5

فاطمه (1) سلام الله علیها و دین قائم (2) آل محمد (علیه السلام) نیز آمده است. (3)

در بخشی از خطبه نورانبه حضرت امیر (علیه السلام) خطاب به سلمان و اباذر می فرمایند:

... ذلك دين القيمه، شهد القران ان الدين القيم الا خلاص....

... ذلك دين القيمه، شهد القران ان الدين القيم الا خلاص بالتوحيد و الاقرار بالنبوه [و الولايه] فمن جاء بهذا فتداني [بالدين] ... يا سلمان، نحن سر الله الذي لا يخفى و نوره الذي لا يطفى، و نعمه التي لا تجزي، اولنا محمد، و اوسطنا محمد و آخرنا محمد، فمن عرفنا فقد اكمل الدين القيم». (4)

این دین پا برجا و استوار است. قرآن شهادت می دهد که دین قیم همانا اخلاص در توحید و اقرار به نبوت و ولایت است پس کسی که این سه را پذیرفت دیندار است. ای سلمان ما سرّ خدائیم که پنهان نمی ماند و نوری که خاموش نمی گردد نعمتی که پاداش آن غیر قابل شمارش است. اول ما محمد (صلی الله علیه و آله) اوسط ما محمد (صلی الله علیه و آله) و آخر ما محمد (صلی الله علیه و آله) است پس کسی که ما را شناخت دینش را کامل ساخت.

در مناقب ابن شهر آشوب از امام باقر (علیه السلام) در قول خداوند «فما يكذبك بعد بالدين» (5)

چه چیز تو را به تکذیب دین و می دارد؟ قال: الدين على (6) (علیه السلام). منظور

از دین وجود حضرت علی (علیه السلام) است.

ص: 25

1- . تاویل الايات، ص 830

2- . بحار الانوار ج 23 ص 370 ح 46 - البرهان ج 4 ص 489 ح 1

3- . تفسير مرآه الانوار ص 242

4- . مشارق انوار اليقين ص 303 و 304

5- . تين / 7

6- . المناقب، ج 3، ص 115

در کنزالفوائد از امام باقر(علیه السلام) از قول پیامبر گرامی اسلام در مورد قول خداوند «و کنا نکذب بیوم الدین»(1) و روز قیامت را تکذیب می کردیم. آمده است:

قال ای یوم الميثاق حيث جحدوا و کذبوا بولایتک یا علی

قال ای یوم الميثاق حيث جحدوا و کذبوا بولایتک یا علی(2).

یعنی روز میثاق زمانی که ولایت تو را انکار نمودند و تکذیب کردند.

در این زیارت حضرت امیر(علیه السلام) به عنوان دین قویم خداوند مورد خطاب قرار گرفته اند و چگونه است که گروهی ولایت ایشان را انکار کردند و در زمره اشقیاء قرار گرفتند؟!

پس دین قیم همان معرفت و شناخت امام و تسلیم شدن در برابر ایشان است . چنانچه در زیارت امام رضا(علیه السلام) داریم:

و قد عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِي، التَّسْلِيمَ لِامْرِكِ و الْاِتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ...

و قد عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِي، التَّسْلِيمَ لِامْرِكِ و الْاِتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ... (3)

محققاً دانستم که پا برجایی و قوام دینم سر نهادن به فرمان توست و پیروی از سنت پیامبرت

و در روایت دیگری از ثامن الحجج علی بن موسی الرضا(علیه السلام) آمده است:

کمال الدین و لایتنا و البراءة من عدونا

کمال الدین و لایتنا و البراءة من عدونا. (4)

کمال دین، ولایت ما اهل بیت و بیزاری از دشمنان ما می باشد.

ص: 26

1- . مدثر/46

2- . تفسیر مرآه الانوار، ص 243

3- . مفاتیح الجنان، ص 967

4- . بحار الانوار، ج 27، ص 58

یکی از حقایق مسلم و عقاید حتمی و مستحکم که جای هیچ شک و تردیدی در آن نیست و آیات و روایات بسیاری بر آن دلالت دارد، مسأله صراط است. تا آنجا که آن را از جمله ضروریات دین شمرده‌اند. (1)

لغت

راغب اصفهانی گفته است: به طریق سهل و راه آسان و هموار صراط گفته اند به تصور این که گویا سالک و رونده آن، آن را می بلعد، یا او رونده اش را ابتلاع می کند. (2)

همچنین گوید: صراط راه مستقیم است. بنابراین مستقیم بودن در مفهوم صراط وجود دارد و ذکر آن به صورت توصیف برای تأکید هر چه بیشتر روی این مسأله است.

شیخ مفید می گوید: صراط در لغت به معنی طریق و راه است. دین صراط نامیده می شود به خاطر آن که راهی به سوی ثواب است. (3)

مستقیم از استقامت به معنی راستی است که در آن هیچ اعوجاجی نباشد. استقامت در دین راستی و عدم انحراف در عقاید و اخلاق و افعال است. (4)

ص: 27

1- . منهج البراعه ج 6، ص 13 به نقل از شرح زیارت آل یس، ص 102

2- . المفردات، ص 230

3- . همان

4- . اطيّب البیان، ج 1، ص 118

شیخ صدوق در این باره می گوید: اعتقاد ما در مورد صراط این است که همانا حق و ثابت است و آن جسر و پل جهنم است و عبور همه خلق بر آن است و در معنایی دیگر صراط اسم حجج خداوند است که هر کس آنان را در دنیا بشناسد و اطاعت نماید حق تعالی جواز گذر و برگ عبور از آن صراط که پل جهنم است به او ارزانی دارد. (1)

البته باید توجه داشت که عبور مردم از این صراط، به حسب معرفتشان به امام و اطاعتشان از ایشان متفاوت است.

صاحب کتاب العشرات چندین معنا برای صراط دنیوی متذکر شده است:

اول آنکه عبارت است از طریق معرفت پروردگار و تحصیل این مقام که جز با پیروی از محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) میسر نیست.

دوم: آن که عبارت است از دین قویم و شرع مبین و معنی استقامت در دین همان است که شخص در دین خدا مستقیم باشد که همان اطاعت از اوامر و نواهی پروردگار است.

سوم: امام مفترض الطاعه است و صراط حقیقی نفس امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. ائمه از اولاد ایشان هر یک صراط مستقیم و طریق مستوی اند و خود حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند: «انا الصراط الممدود بین الجنة و النار» منم راه کشیده شده بین بهشت و دوزخ.

ص: 28

چهارم: ولایت و معرفت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و بقیه ائمه اطهار است.

پنجم: اسلام است.

ششم: قرآن مجید است و این معنی مروی از حارث اعور است که از حضرت امیر (علیه السلام) روایت کرده است که ایشان فرمودند: صراط کتاب خداوند است. (1)

صراط به معانی فوق در واقع اتحاد معنوی و اختلاف لفظی دارد. یعنی علی (علیه السلام) هم اسلام است هم قرآن است هم دین قویم و

هر کس بخواهد بداند که از صراط قیامتی به سهولت عبور می کند و بر بهشت وارد می شود بایستی در این شش معنی تأمل نماید اگر در مورد آنها لغزش و شکی ندارد و بر پذیرش آنها مستقیم و استوار است، از صراط آخرت به سهولت عبور نماید چرا که هر دو صراط یکی است جز آنکه صورت دنیوی صراط همان شش است و صورت اخروی آن، همان یکی است که دارای گردنه ها و بلندی و پستی ها است. (2)

صراط در روایات

در معانی الاخبار از امام صادق (علیه السلام) در مورد قول خداوند تعالی، « اهدنا الصراط المستقیم » (3)

آمده است: « هو علی و معرفته » صراط مستقیم حضرت علی (علیه السلام) و معرفت ایشان است.

ص: 29

1- . العشرات، ص 311 به نقل از شرح زیارت آل یاسین

2- . العشرات، ص 316

3- . حمد / 6

و دلیل بر این آن است که حق تعالی می فرماید: و

إِنَّهُ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لَعَلَى حَكِيمٍ (1) یعنی امیر المؤمنین (علیه السلام) در ام الكتاب که سوره حمد است مذکور است. در آیه اهدنا الصراط المستقیم صراط المستقیم علی (علیه السلام) است که عالم به حکم و معارف ربانی است و مفسران ضمیر را راجع به قرآن گرفته اند و ام الكتاب را به لوح محفوظ تفسیر نموده اند. (2)

أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (ما را به راه راست هدایت فرما) هر چیزی را که انسان بخواهد تحصیل کند و به هر مقصدی بخواهد نائل شود باید از طریق آن وارد گردد، و فهمیدن راه هر چیزی و پیمودن آن محتاج به راهنمایی است که دانا و آشنای به آن طریق باشد تا این که انسان به واسطه راهنمایی او، مقصود را گم نموده بیراهه نرود و به مقصد نائل شده نتیجه مطلوب را دریابد. (3)

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ (4).

راه کسانی که به ایشان نعمت دادی.

حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند:

انا والله! نعمة الله التي انعم الله تعالى على عباده و...

انا والله! نعمة الله التي انعم الله تعالى على عباده و بی و باهل بیتی یفوز من فاز يوم القيامة (5).

ص: 30

1- . زخرف/4

2- . تفسیر تبیان، ج 9، ص 180- حیوه القلوب، ص 324

3- . اطیب البیان، ج 1، ص 118

4- . حمد/7

5- . تفسیر قمی، ج 1، ص 371- بحار الانوار، ج 24، ص 51

سوگند به خدا منم آن نعمتی که خداوند متعال آن را بر بندگانش ارزانی داشت، هر که در روز رستاخیز به سعادت می رسد بوسیله من و خاندان من است.

بنابراین کسانی که به ایشان نعمت داده شده است همان شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستند که به نعمت ولایت اختصاص یافته اند. امیر المؤمنین (علیه السلام): بدانید که باید از صراط عبور کنید، گذرگاهی که عبور کردن از آن خطرناک است، با لغزش های پرت کننده و پرتگاه های وحشت زا و ترس های پیاپی! از خدا بترسید چون خردمندی که دل را به تفکر مشغول داشته و ترس از خدا بدنش را فرا گرفته است. (1)

علاوه بر آنچه ذکر شد، از احادیث شریفه ائمه معصومین (علیهم السلام) چنین بر می آید که اموری چند مایه نجات از خطرات این راه است از جمله یکی حسن ظنّ به پروردگار و صلوات بر پیامبر و آل گرامی آن حضرت و حفظ ارتباط و پیوند قلبی با حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) و محبت ایشان است. (2)

يَا أَيُّهَا الْمَجْبُونُ لِفَاطِمَةَ، نَعَلَّقُوا بِأَهْدَابِ مَرْطِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نَسَاءِ الْعَالَمِينَ.

ای دوستان فاطمه، به ریشه های پوشش فاطمه، سیده زنان عالمیان دست آویزید!

در این هنگام هیچ دوستی از دوستان حضرت زهرا (علیها السلام) باقی نمی ماند جز این که متمسک به ریشه ای از ریشه های ردای حضرتش می شود تا آن جا که بیش

ص: 31

1- . نهج البلاغه/ 83

2- . امالی صدوق، ص 192- بحار الانوار ج 8، ص 68

از هزار هزار فئام به آن دست می آویزند.

به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عرض کردند، یک فئام چه مقدار است؟ فرمودند: یک میلیون نفر، که چنین جمع کثیری به وسیله حضرتش از آتش نجات پیدا می کنند. (1)

علی صراط مستقیم است

اگر میان دو نقطه با فاصله را در نظر بگیرید، کوتاه ترین راه بین آن دو را «خط مستقیم» گویند. و این یک قانون مسلم «ریاضی» است که در «هندسه» مورد بحث علما و دانشمندان ریاضی است و ثمرات و آثار بسیاری بر آن مترتب می باشد.

در قرآن مجید و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) نیز در مورد «صراط مستقیم» که معنی و مفهوم «خط مستقیم» را می دهد، آیات و اخبار فراوانی آمده است، که به «ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)» تفسیر گردیده، چنانچه در المناقب آمده است:

هذا صراط علی مستقیم

هذا صراط علی مستقیم (2).

راه علی بن ابی طالب (علیه السلام) راه مستقیم است.

آری علی (علیه السلام) و «ولایت» او «خط مستقیم» است، و راه او کوتاه ترین راهی است که انسان بدون انحراف و بدون ضلالت و گمراهی فاصله مبدء و معاد را

ص: 32

1- . بحار الانوار، ج 8، ص 68

2- . المناقب، ج 3 ص 90- تفسیر مرآه الانوار ص 342

می‌پیماید، و به رضای الهی و بهشت جاویدان که مقصد پرهیزکاران است نائل می‌گردد، راهی که دستگیره محکم دین (عروه الوثقی) و ریسمان خدا (حبل الله) در آن خلاصه می‌گردد(1)، رسول گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) در خطبه غدیر می‌فرماید:

انا صراط الله المستقیم الذی امرکم باتباعه، ثم علی من بعدی...

انا صراط الله المستقیم الذی امرکم باتباعه، ثم علی من بعدی، ثم ولدی من صلبه ائمه (الهدی)، یهدون الی الحق و به یعدلون(2).

من همان راه مستقیم خداوندم که شما را به پیروی از آن دستور داده است، و بعد از من، علی و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایت‌گرند، کسانی که به حق هدایت می‌کنند و با تمسک بر حق به عدالت رفتار می‌نمایند.

مرحوم «علامه امینی» از کتاب «مناقب خوارزمی» نقل می‌کنند که آورده است: «الصِّراطُ صِراطانِ: صِراطُ فی الدُّنْیا، وَ صِراطُ فی الآخِرَةِ، فَأَمَّا صِراطُ الدُّنْیا فَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَأَمَّا صِراطُ الآخِرَةِ فَهُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ مَنْ عَرَفَ صِراطَ الدُّنْیا جازَ عَلَی صِراطِ الآخِرَةِ. (3)»

صراط دو صراط است: یکی در دنیا و دیگری در آخرت، صراط دنیا همان «علی بن ابی طالب (علیه السلام)» است ولی صراط آخرت پلی است که بر روی جهنم نصب گردیده، هر کس صراط دنیا را بشناسد از صراط آخرت به آسانی می‌گذرد!!!

این حدیث علاوه بر اینکه علی (علیه السلام) و ولایت او را «صراط» معرفی می‌کند

ص: 33

1- . آفتاب ولایت، ص 105

2- . خطبه غدیر، ص 72

3- . مناقب خوارزمی به نقل از الغدیر، ج 2 ص 311

راه نجات در آخرت را نیز به آن مرتبط می سازد و کسی که در دنیا معرفت ولایت علی را پیدا نکند، بر جهنم سقوط می نماید...

و در کتاب شریف «بحار الانوار» مرحوم «علامه مجلسی» بیست و پنج حدیث از طریق سنی و شیعه نقل می کنند که مولای متقیان «علی بن ابی طالب (علیه السلام)» صراط مستقیم و همان میزان و راه خدایی است که پروردگار عالم آیاتی را در این زمینه در قرآن مجید نازل فرموده است، و از جمله آنها است:

جابر بن عبدالله انصاری: إِنَّ النَّبِيَّ هَيَّا أَصْحَابَهُ عِنْدَهُ، إِذْ قَالَ:....

جابر بن عبدالله انصاری: إِنَّ النَّبِيَّ هَيَّا أَصْحَابَهُ عِنْدَهُ، إِذْ قَالَ: (وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيٍّ ع) هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ الْآيَةَ فَقَالَ النَّبِيُّ: كَفَاكَ يَا عَدُوِّي؟ (1)

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: ما در کنار پیامبر خدا نشسته بودیم که صحبت از «صراط مستقیم» بود و یکی از «صحابه» عناد و لجاجت کرد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اصحابش را جمع کرد، و با اشاره به مولای متقیان علی (علیه السلام) فرمودند: «این صراط مستقیم» (اشاره به آیات سوره مریم آیه 36، و سوره یس آیه 61، و سوره زخرف آیه 61، و 64) است از وی تبعیت کنید سپس خطاب به آن مرد لجوج فرمود: آیا برای تو کافی است؟!

و خود امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: هرگز در یک زمان دو دعوت متفاوت، حق و حقیقت نمی باشد، بلکه یکی از آنها باطل بوده، و پیروانش را به ضلالت و گمراهی می کشاند، و بدین طریق با اشاره به اینکه: «بین مبدأ و معاد، و خالق و

ص: 34

1- . بحار الانوار ج 35، ص 365 و برای ملاحظه سایر احادیث به همین منبع از ص 363 تا 375 رجوع کنید.

مخلوق و عاشق و معشوق بیش از یک خط راست نمی گنجد» خود را صراط مستقیم دانسته، و دیگران را باطل معرفی می فرمایند.

پس نتیجه می گیریم که: آنچه در آیات قرآن و احادیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) در مورد «صراط مستقیم» آمده است ولایت و مسیر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.

علی (علیه السلام) نبأ عظیم

السلام علیک ایها النبا العظیم، الذی هم فیہ مختلفون و عنه یسئلون.

سلام بر تو ای خبر بزرگ عالم! همان خبری که مردم در آن اختلاف دارند.

بر مبنای آیات آغازین سوره نبأ مورد بررسی قرار گرفته است.

بِسْمِ

اللّٰهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ عَمَّ یَتَسَاءَلُونَ (1) عَنِ النَّبِیِّ الْعَظِیْمِ (2) الَّذِی هُمْ فِیهِ مُخْتَلِفُونَ. (1)

به نام خداوند بخشنده مهربان از چه چیز از یکدیگر سوال می کنند؟ از آن خبر بزرگ. همان که آنان در آن اختلاف دارند.

بررسی لغوی نبأ عظیم

النَّبَأُ : الخبر (2)

راغب در مفردات می گوید: نبأ خبری است که فایده و سود بزرگی دارد، که از آن خبر، علم و دانش حاصل می شود و بر ظنّ و گمان غلبه می کند، هیچ گاه خبر به معنی

ص: 35

1- . نبأ/ 3-1

2- . العین ، مجلد 8، ص 382 .

نباست مگر این که سه اصل از آن دریافت شود. 1- سود و فایده 2- علم و دانش 3- غلبه بر ظنّ و گمان(1).

عظیم:

و العظیم: مصدر الشیء العظیم - عَظُمَ الشیء عِظْمًا فَهُوَ عَظِيمٌ(2).

عَظُمَ الشیءُ: اصلش اینست که اسکلت و استخوانش بزرگ شد. سپس برای هر چیز بزرگی واژه - عظمه- که در حکم بزرگی محسوس یا معقول و جسمی و معنوی است استعاره شده است .

جَیْسٌ عَظِيمٌ و مَالٌ عَظِيمٌ: که در همان معنای کثیر و فراوان است.(3)

العظیم: از اسماء خداوند عزّ و جلّ است.(4)

عظیم در لغت کسی را گویند که قدر و ارزش و منزلت او از حدّ عقول تجاوز کرده، به طوری که نمی توان به کنه آن رسید و حقیقت وجودی او را تصوّر و درک نمود.(5)

همچنین عظیم کسی را گویند که دست هر توانا و بزرگی به او نمی رسد و عقل ها

ص: 36

1- . تفسیر لغوی ادبی قرآن، ج 3، ص 280.

2- . العین جلد 2، ص 91

3- . مفردات راغب، ج 2، ص 617

4- . لسان العرب، ج 12، ص 409

5- . مجمع البحرین، ج 6، ص 117

نیز از ادارک مقام او عاجز می‌باشد. (1)

نکات تفسیری

عَمَّ، عن ما بود نون در میم ادغام شده عمّا شد و همزه ساقط شده است.

يَسْأَلُونَ: تسائل با سؤال تفاوت دارد. سوال پرسش است که سائل می‌گوید و مجیب جواب دهنده است ولی تسائل گفتگو است میانه جماعتی که از یکدیگر سوال می‌کنند.

عَنِ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ جواب عمّ است که آن چیزی که پرسش و سوال با یکدیگر دارند خبر عظیم است. بعضی مفسرین گفته‌اند قیامت و بعث و عالم آخرت است به قرینه «إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا» (2) که در چندین آیه بعد واقع شده. و بعضی گفته‌اند قرآن است که خیر از توحید و نبوت و بیان احکام می‌کند. لکن در بسیاری از اخبار از پیغمبر

ائمه معصومین (علیهم السلام) آمده است که: نباء عظیم ولایت و خلافت و وصایت امیرالمؤمنین است. (3)

الَّذِي

هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (4).

نباء عظیم آن چیزی است که در او اختلاف کردند.

ص: 37

1- . محجه التفاسیر، ج 6، ص 91

2- . نبا/17

3- . اطيّب البیان- ج 13 ص 349

4- . نبا/ 3

ضمیر "هم" به مسلمین و ضمیر "فیه" به «نباء عظیم» برمی گردد و این امر از زمان پیامبر که امیرالمومنین را به مقام خلافت نصب فرمودند، برقرار است تا زمان حال. (1)

و تا زمان ظهور حضرت بقیه الله الاعظم این اختلاف برقرار است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) خبر دادند که امت من هفتاد و سه فرقه می شوند یک فرقه ناجی و بقیه هلاک خواهند شد و همین اختلاف منشاء اختلافات بعدی شد. (2)

امت اسلام در مورد علی ع به ناحق اختلاف کردند در حالی که شایسته بود درباره این آیت و نشانه بزرگ آفرینش خداوند اختلاف نکنند. چنانچه پیام خداوند که در روز غدیر توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیان شد حاوی همین خبر بزرگ بود. «در عالم ذر ولایت همراه با توحید بر خلق عرضه شد و خداوند بر آن پیمان گرفت و برای این امر و خبر مهم انبیاء مبعوث شدند و کتاب نازل گشت و جمیع امت ها به آن تکلیف شدند.» (3)

روایات و تأویل

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

الامر من بعدی لمن هو منی بمنزله هارون...

الامر من بعدی لمن هو منی بمنزله هارون من موسی فانزل الله عم یتسائلون عن النبء العظیم. منهم المصدق بولایته و خلافته و منهم الملوک بها.

ص: 38

1- . اطیب البیان، ج 13، ص 350

2- . اطیب البیان، ج 3، ص 350

3- . مرآه الانوار، ص 43 (برای مطالعه بیشتر در این مورد به صفحات 43 تا 48 رجوع کنید)

امر(ولایت) بعد از من برای کسی است که او نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی است. پس خداوند آیات عم یتسائلون عن النبء العظیم را نازل فرمود و گروهی ولایت و خلافت علی(علیه السلام) را تصدیق کردند و گروهی نیز تکذیب نمودند.

از امیرالمؤمنین(علیه السلام) در حدیثی روایت شده که حضرت فرمودند:

انا و الله النبء العظیم الذی هم فیه مختلفون الذی هم فیه اختلفتم

انا و الله النبء العظیم الذی هم فیه مختلفون الذی هم فیه اختلفتم(1).

به خدا قسم من خبر بزرگ هستم. همان خبری که شما مردم در مورد آن اختلاف می کردید.

در جنگ صفین (جنگ علی(علیه السلام) با معاویه) فردی از سپاه معاویه برای مبارزه بیرون آمد، در حالی که قرآنی را حمایل کرده بود و چنین قرائت می کرد: عم یتسائلون ...

راوی می گوید: من خواستم به مبارزه با او برخیزم که علی(علیه السلام) مرا از رفتن بازداشت و خودش پا به میدان نهاد. هنگامی که نزدیک او رسید، پرسید:

ایا نبأ عظیمی را که در آن اختلاف دارید می شناسی؟

گفت خیر. علی(علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند نبأ عظیمی که در آن اختلاف دارید منم، و شما بر سر ولایت آن نبأ عظیم می جنگید، بدین سان که پس از پذیرش ولایت من، از آن روی برتافتید، پس از آن که به شمشیرم از گمراهی رهایی یافتید، به جور و فساد خود هلاک شدید. شما در روز غدیر، حقیقت را فهمیدید، و در روز قیامت

ص: 39

نیز بار دیگر می‌فهمید آنچه را که در گذشته فهمیده بودید. (1)

همچنین اصبع بن نباته روایت می‌کند که علی (علیه السلام) فرمود:

به خدا سوگند، منم آن خیر بزرگ که درباره‌اش اختلاف دارند. اما به زودی [حقیقت] آن را خواهند دانست، آن زمان که در میان جهنم و بهشت می‌ایستم و مردمان را از هم جدا می‌سازم. آری! به جهنم می‌گویم: این برای تو و آن برای من. (2)

در روایات بسیاری همچنین نبأ به امام تاویل شده است. (3)

در روایت ذیل آیه قل هو نبؤ عظیم. أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (بگو او خبری بزرگ است شما از او روی بر می‌گردانید) (4) نبأ، بر امامت تعبیر شده است.

به عنوان حسن ختام این بخش حدیثی از امام باقر (علیه السلام) در بصائر الدرجات را می‌آوریم.

هو والله امیرالمومنین و قال (علیه السلام) کان (علیه السلام) ...

هو والله امیرالمومنین و قال (علیه السلام) کان (علیه السلام) یقول ما لله آیه اکبر منی و لا لله من نبأ اعظم منی (5).

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: خدا آیه‌ای بزرگتر از من و خبری با عظمت‌تر از من ندارد.

ص: 40

1- . تفسیر برهان، ج 10، ص 159

2- . همان، ح 11323، بحار الانوار، ج 36، ص 3، ح 6

3- . مرآه الانوار، ص 490

4- . ص 68/

5- . مرآه الانوار، ص 490

نتیجه آن که نبأ عظیم ولایت حضرت امیر(علیه السلام) است.

آیه‌ای بزرگتر از حضرت علی(علیه السلام) و خبری عظیم تر از ایشان در خلقت وجود ندارد. در عالم ذر، ولایت همراه با توحید بر خلق عرضه شد و خداوند بر آن پیمان گرفت.

بقیه فرازاها در شماره آینده به چاپ خواهد رسید.

نتایج

این زیارت نامه از طرف امام حکیم صادر و به براهین عقلی و آیات محکم قرآنی مستدل شده است. بر زائر فهیم و بادرایت است که در آیات آن تدبیر نماید و در بندبند فرازهای آن نیک بنگرد تا به اندازه ظرفیت وجودی خویش از آن بهره گیرد و لطافت‌ها و نکات عمیق و اشارات امام حجت خدا و عمود دین و هادی امت را دریابد و پیام امام را از متن آن استخراج کند.

ذکر این نکته ضروری است که امام متناسب با مخاطب خویش سخن می‌گوید و از آنجا که جهان تشیع در آن زمان دستخوش حوادث تلخی بود و مردم آن دوران در تحیر و سرگردانی به سر می‌بردند، امام با ذکر این زیارت مردم را به صراط مستقیم رهنمون ساختند. پیشوایان دین که همیشه به تعلیم و تربیت مردم و بیان حقایق دین اهتمام داشتند، مباحثی از توحید و صفات الهی، نبوت، امامت و رهبری، تاریخ زندگی

ائمه(عليهم السلام) و بیان مظلومیت ها و رنج های خویش، افشای ستم حاکمان جور و بسیاری معارف دیگر را در این زیارت نامه ها بیان کرده اند که در کنار کتاب خدا و احادیث معتبر، منبع سرشاری از شناخت دین و مقام و منزلت معصومین(عليهم السلام) به شمار می رود.

بررسی ارتباط زیارت با قرآن زمینه اعتبار بخشی به متن زیارت را فراهم آورده و هم آوایی متن زیارت با قرآن قرینه ای مهم برای افزایش اعتبار آن است. آیات زیارت به مسئله امامت اشاره دارد. تأویل دین قویم، صراط مستقیم و نبأ عظیم به این مهم اشاره دارد. در این زیارت، امام هادی(علیه السلام) مقامات و شئون حضرت امیر(علیه السلام) را در قالب سلام های دعا بیان فرمودند. با هر فراز زیارت بایی از ابواب الهی گشوده می گردد و تقرب و طاعت خداوند از این طریق مورد رضایت خداوند عالم است.

ص: 42

1. قرآن کریم، ترجمه امیر توحیدی، تهران، انتشارات حافظ نوین، 1385.
2. اصول کافی، کلینی، محمدبن یعقوب، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
3. اطیب البیان، طیب، عبدالحسین، پاپ محمدی، اصفهان، بی تا.
4. اعتقادات، شیخ صدوق
5. بازشناسی میراث کهن شیعه، مریم قبادی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1389 ش.
6. بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق.
7. البرهان، هاشم بحرانی، مترجمان: ناظمیان، گنجیان، صادق خورشیا، تهران، 1389.
8. بصائر الدرجات، صفار، محمد بن حسن، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، 1404 ق.
9. تأویل الایات، حسینی استرآبادی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، 1409 ق.
10. تفسیر شریف لاهیجی، محمد بن علی شریف لاهیجی، (4 جلد)، تهران، دفتر نشر داد، 1373.
11. تفسیر عیاشی، عیاشی سمرقندی، مسعود بن عیاش، تهران، المکتب العلمیه الاسلامیه، 1380 ق.

12. تفسیر فرات، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تهران، وزارت ارشاد، 1410 ق.
13. تفسیر قمی، قمی، علی بن ابراهیم، قم، دارالکتاب، 1367.
14. تفسیر و مفسران، محمدهادی معرفت، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، 1380 ش.
15. التوحید، ابن بابویه (شیخ صدوق)، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1422 ق.
16. تهذیب اللغه، محمد بن احمد الازهری، تحقیق ابراهیم الایاری، القاهره، دارالکتب العربی، 1967 م.
17. خطبه غدیر، امیر توحیدی، تهران، انتشارات زراره، 1384.
18. دائره المعارف بزرگ اسلامی، احمد پاکتچی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز نشر دائره المعارف، 1385 ش.
19. روش شناسی تفسیر قرآن، بابایی، علی اکبر و دیگران، تهران، سمت، 1381 ش.
20. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، تهران، مؤسسه طبع و نشر، 1411 ق.
21. علوم قرآنی، محمد باقر حکیم، ترجمه لسانی فشارکی، تهران، مؤسسه فرهنگی تبیان، 1378.
22. العین، فراهیدی، خلیل بن احمد، قم، هجرت، 1410 ق.
23. القطره، احمد مستنبط، ترجمه رحیمیان، (2 جلد)، قم، نشر حاذق، 1428 ق.

24. كافي، كليني، محمد بن يعقوب، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1365.
25. كتاب الغيبه، محمد بن ابراهيم نعماني، مكتب الصدوق.
26. كتاب سليم، هلالى، سليم بن قيس، قم، الهادى، 1415 ق.
27. كنزالفوائد، كراچكى، محمد بن على، قم، دار الذخائر، 1410 ق.
28. لسان العرب، محمد بن مكرم، ابن منظور، قم، نشر ادب حوزة، 1405 ق.
29. مجمع البحرين، طريحي، فخرالدين، تهران، انتشارات مرتضوى، 1375.
30. مرآة الانوار، عاملى، ابى الحسن، قم، مؤسسه دار المجتبه للمطبوعات، 1428 ق.
31. معانى الاخبار، ابوجعفر محمد بن على، ابن بابويه قمى، جامعه مدرسين قم، 1402 ق.
32. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، عبدالباقي، محمد فؤاد.
33. معجم مقائيس اللغة، احمد بن فارس بن زكريا، تحقيق محمد عبدالسلام هارون، بى جا، مكتبه الاعلام الاسلامى، 1401 ق.
34. المفردات فى غريب القرآن، راغب اصفهاني، ابوالقاسم حسين بن محمد، بيروت، دارالعلم.

35. المناقب، ابن مغازلی شافعی، تهران، المكتبة الاسلاميه، 1397 ق.

36. منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، میرزا حبیب الله خوئی، تهران، مكتبة الاسلاميه.

37. میثاق آسمانی، مرتضی دهقان، تهران، مؤسسه فرهنگي انتشاراتي مکیال.

38. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی، دارالکتب الاسلاميه، 1389 ش.

39. نبأ عظیم، سوری خرم آبادی، محمد، بیروت، مؤسسه البلاغ، چاپ اول 1428 ق.

40. نور الثقلین، عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، قم، انتشارات اسماعیلیان، 1415 ق.

41. پژوهش ادبی، مقاله بررسی سندی زیارت حضرت امیر(علیه السلام) در روز غدیر، امیر توحیدی، معصومه آعبدالله، ش 19، 1389.

ص: 46

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

